

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 21, No. 4, Summer 2021, 135-153
Doi: 10.30465/CRTLS.2020.30615.1825

A Critical Review on the Book

“The Principles of Behavioral Economics: Individual Decision-Making”

Ali Saeedi*

Abstract

Recent years have experienced affluent literature in behavioral economics in Persian scope. *The Principles of Behavioral Economics: Individual Decision-Making* written by Maryam Haji-MollaDarvish is one of these works which is reviewed and criticized in this paper. The focus on the book is on individual decision-making and to this extent, after introducing neoclassic models, the theories of behavioral economics are discussed. However, most parts of the book are devoted to introducing neoclassic models while seems unnecessary. The book lacks any coherent theme or main idea and it is just a collection of discussions in behavioral economics. Having no discussion about behavioral issues of Iranian economics has unleashed the book just as a translation work. In spite of insisting on the complementary role of behavioral economics for neoclassic one and not rejecting it, most behavioral economists declare it as a heterodox school against mainstream neoclassic economics. The book is suitable as an auxiliary resource for microeconomics 1 and behavioral economic course.

Keywords: Behavioral Economics, Decision-Making, Choice, Preferences, Utility

* Assistant Professor, Qom University, Gom, Iran, a.saeedi@qom.ac.ir.

Date received: 31/12/2020, Date of acceptance: 22/05/2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

نقد کتاب مبانی اقتصاد رفتاری: تصمیم‌گیری فردی

علی سعیدی*

چکیده

به رغم اینکه سابقه مطالعات رفتاری در دانش اقتصاد به بیش از یک قرن می‌رسد، در سال‌های اخیر آثار پژوهشی متعددی در زمینه اقتصاد رفتاری به زبان فارسی انتشار یافته که نشان دهنده اقبال پژوهشگران به این حوزه است. کتاب *مبانی اقتصاد رفتاری* تصمیم‌گیری فردی یکی از این آثار است که در این مقاله به معرفی و نقد آن پرداخته‌ام. تمرکز اصلی کتاب بر تصمیم‌گیری فردی است و در این زمینه، ضمن طرح مدل‌های نئوکلاسیک انتخاب فردی، نظریات اقتصاد رفتاری از منابع متعدد و معتبر آورده شده است. با این حال، بخش زیادی از کتاب به طرح مدل‌های نئوکلاسیک اختصاص یافته و از موضوع اصلی کتاب دور شده است. همچنین به دلیل ترجمه‌ای بودن مطالب، کتاب فاقد مضمون و ایده محوری است و افزوده علمی خاصی ناظر به مسائل رفتاری به ویژه در ارتباط با اقتصاد ایران در آن وجود ندارد. برخلاف عنوان کتاب، مباحث مبنایی در کتاب کمتر به چشم می‌خورد. اگرچه نویسنده به تبع برخی از متأخران اقتصاد رفتاری، تأکید می‌کند که اقتصاد رفتاری به هیچ وجه در تعارض با اقتصاد نئوکلاسیک نیست، آثار بسیاری از متفکران رفتاری حاوی انتقادهایی زیربنایی به مفروضات، روش‌ها و سیاست‌های پیشنهادی نئوکلاسیک است و از این نظر نمی‌توان به راحتی اقتصاد رفتاری را صرفاً مکمل اقتصاد نئوکلاسیک دانست. این کتاب می‌تواند به عنوان منبع کمکی برای اقتصاد خرد و اقتصاد رفتاری معرفی شود.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد رفتاری، تصمیم‌گیری فردی، ترجیحات، مطلوبیت، انتخاب

* استادیار گروه اقتصاد اسلامی و عضو هیات علمی دانشگاه قم، قم، ایران، a.saeedi@qom.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۱

۱. مقدمه

اقتصاد رفتاری یکی از شاخه‌های پرطرفدار و روبه‌گسترش در مجموعه دانش اقتصاد به شمار می‌رود که به‌ویژه در سال‌های اخیر در حوزه زبان فارسی اقبال گسترده‌ای به آن شده است. اگرچه سابقه مباحث اقتصاد رفتاری یعنی ارتباط میان یافته‌های روانشناسی و مفروضات، مدل‌ها و روش‌های سیاست‌گذاری در دانش اقتصاد به بیش از یک قرن می‌رسد، اما بررسی منشورات سال‌های اخیر در زبان فارسی بیانگر گرایش یکباره به این مطالعات است. در همین راستا، کتاب *مبانی اقتصاد رفتاری: تصمیم‌گیری فردی نوشته نرگس حاجی‌ملادرویش (۱۳۹۷)* برای معرفی و بررسی انتقادی در این مقاله انتخاب شده است. در ادامه، ابتدا معرفی مختصری از محتوای کتاب و فصول مختلف آن ارائه می‌شود و سپس به نقد شکلی و محتوایی این کتاب پرداخته می‌شود.

۲. معرفی کلی اثر

کتاب *مبانی اقتصاد رفتاری تصمیم‌گیری فردی نوشته نرگس حاجی‌ملادرویش* است که در هشت فصل تدوین شده است. مضمون کلی کتاب به انتزاعی شدن نظریات اقتصادی به‌خاطر دوری از واقعیت‌های اقتصادی اشاره می‌کند که منجر به نقصان این نظریات در تبیین و پیش‌بینی پدیده‌های اقتصادی شده است. حسین راغفر در مقدمه این کتاب ضمن اشاره به نمونه‌هایی از نظریات رفتاری در اقتصاد رایج، تأکید می‌کند که تلاش‌های جدید تحت عنوان اقتصاد رفتاری قادر شده است بسیاری از وجوه زندگی روزمره جوامع را وارد تحلیل‌های اقتصادی کند. در واقع، اقتصاد رفتاری نشان می‌دهد که در بسیاری از مواقع، نظریه‌های اقتصادی با رفتارهای انسانی فاصله دارد و محدودیت‌های نظریه‌های اقتصادی را به ما متذکر می‌شود و اینکه نمی‌توان تنها به استناد نظریه‌های اقتصادی، جامعه را اداره کرد (حاجی‌ملادرویش، ۱۳۹۷، ۱۵).

نویسنده در پیشگفتار تمرکز اصلی کتاب را بر تصمیمات فردی می‌داند و به‌منظور مدیریت حجم کتاب، به مباحث مربوط به مالی رفتاری (behavioral finance) و نظریه بازی رفتاری (behavioral game theory) پرداخته است. سپس او ضمن معرفی ریچارد تالر (Richard Thaler) برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۲۰۱۷ که باعث مطرح شدن بیش از پیش اقتصاد رفتاری و بهانه تدوین این کتاب بوده است، به بیان جدال‌ها بین اقتصاددانان

درباره لزوم وارد کردن ملاحظات روانشناسی در مدل‌سازی رفتارهای اقتصادی می‌پردازد. نویسنده هدف اصلی این کتاب را ارائه اقتصاد رفتاری به صورتی رسمی و کاربردی می‌داند به نحوی که ابزاری باشد برای علاقه‌مندان به انجام تحقیقات در این حوزه (حاجی‌ملادرویش، ۱۳۹۷، ۲۳). در همین راستا، سعی شده است بنیان‌های اقتصاد رفتاری معرفی شده و نحوه عزیمت از مدل‌های اقتصاد نئوکلاسیکی شرح داده شود.

عناوین فصل‌های کتاب به شرح زیر است:

۱. اقتصاد رفتاری
۲. اقتصاد آزمایشگاهی
۳. انتخاب‌های مصرف‌کننده و تقاضا
۴. نظریه‌های کلاسیک تصمیم‌گیری تحت خطر
۵. نظریه‌های رفتاری تصمیم‌گیری تحت خطر
۶. نحوه ترسیم ترجیحات تحت خطر
۷. ترجیحات مصرف‌کننده در طول زمان
۸. نظریه‌های رفتاری تصمیم‌گیران در طول زمان

فصل اول به تعریف اقتصاد رفتاری به مثابه شاخه‌ای از علم اقتصاد می‌پردازد که «به دنبال افزایش قدرت توضیح‌دهندگی مدل‌های اقتصاد متعارف با استفاده از فرض‌های مبتنی بر مشاهدات تجربی، روانشناسی و آزمایش روی رفتار انسان‌هاست» (حاجی‌ملادرویش، ۱۳۹۷، ۲۵). به باور نویسنده، اقتصاد رفتاری به دنبال کامل‌تر کردن اقتصاد نئوکلاسیک است و به هیچ وجه در مقابل آن قرار ندارد. اقتصاد نئوکلاسیک کوشیده است مجموعه‌ای از نظریات منسجم و سازگار را فراهم کند که رفتار اقتصادی انسان را حتی الامکان به صورتی دقیق و بهینه مدل‌سازی کند و در اصل، قابلیت تعدیل بسیاری از فرض‌های خود را دارد. با این حال، این تعدیل‌ها بسیار محدودند و هنگامی که به کار گرفته می‌شوند نکته جدیدی را به مدل‌های نئوکلاسیک نمی‌افزایند. اقتصاد رفتاری با افزودن مفاهیمی از قبیل عقلانیت محدود (bounded rationality) سوگیری‌ها (biases) و میانبرهای ذهنی در تصمیم‌گیری، نقش اطلاعات و منبع آن‌ها، ترجیحات وابسته به مرجع، نقش احساسات، یادگیری و مواردی از این دست، تلاش می‌کند بر تطبیق‌پذیری مدل‌های نئوکلاسیک اقتصاد با واقعیت بیفزاید. در ادامه این فصل، نویسنده به بیان اصول موضوعه اقتصاد نئوکلاسیک به ویژه فروض مربوط

به عقلانیت اقتصادی و نقد آن‌ها از منظر اقتصاد رفتاری می‌پردازد. پس از آن، تاریخچه مختصری از اقتصاد رفتاری را بیان می‌کند و سپس به سوگیری‌های فردی در تصمیم‌گیری می‌پردازد. در نهایت، به نقش اقتصاد رفتاری در سیاست‌گذاری می‌پردازد.

فصل دوم به بیان اقتصاد آزمایشگاهی به‌عنوان روش تحقیق در اقتصاد رفتاری می‌پردازد و این دو را مکمل هم می‌داند. پس از بیان سیر تحولات اقتصاد آزمایشگاهی، راهنمای اقتصاد آزمایشگاهی را ارائه می‌دهد و به مرور مطالعات علمی و آزمایش‌های عملی در این زمینه می‌پردازد. در پایان این فصل، مباحث مربوط به روش‌شناسی اقتصاد آزمایشگاهی و ارتباط آن با روش‌شناسی پوپری و نیز برنامه پژوهشی لاکاتوش بررسی و نقد می‌شود.

دو فصل بعدی به انتخاب‌های مصرف‌کننده و تقاضا و نیز تصمیم‌گیری تحت خطر (ریسک) می‌پردازد که در واقع بیانی از نظریات کلاسیک است. اما فصل پنجم وارد نظریه‌های رفتاری تصمیم‌گیری تحت خطر (ریسک) می‌شود. نظریه چشم‌انداز (prospect theory) شاید مهم‌ترین نظریه رفتاری باشد که در تصمیم‌گیری تحت ریسک و عدم قطعیت (uncertainty) توسط کانمن و تورسکی (Kahnman & Tversky) مطرح شده است. مهم‌ترین وجه تمایز این نظریه از نظریه مطلوبیت انتظاری این است که سطوح نهایی ثروت منجر به کسب مطلوبیت نمی‌شوند بلکه انحراف از نقطه مرجع است که مطلوبیت به وجود می‌آورد. براساس نظریه چشم‌انداز، باخت‌ها بیش از معادل بردشان دردناک‌اند. این پدیده زیان‌گریزی (loss aversion) نام دارد (حاجی‌ملادرویش، ۱۳۹۷، ۲۲۲). همچنین تحت نظریه چشم‌انداز تجمعی، تابع ارزش در دامنه بردها مقعر و در دامنه باخت‌ها محدب است اما این بدان معنا نیست که افراد در دامنه برد خطرگریز و در دامنه باخت خطرپذیرند چون در نظریه چشم‌انداز تجمعی، رفتار افراد نسبت به خطر (ریسک) فقط با شکل تابع مطلوبیت (ارزش) سنجیده نمی‌شود بلکه شکل تابع وزنی احتمال هم نقش بسیار مهمی دارد (حاجی‌ملادرویش، ۱۳۹۷، ۲۲۷). در پایان این فصل، کاربردهایی از نظریه چشم‌انداز در سیاست‌گذاری آورده شده است.

پس از طرح برخی مقدمات در فصول ششم و هفتم، فصل هشتم (آخرین فصل کتاب) به بیان نظریه‌های رفتاری تصمیم‌گیری در طول زمان می‌پردازد که نقطه کانونی آن، ترجیحات ناسازگار (inconsistent preferences) از لحاظ زمانی است. اگر صرف گذشته زمان باعث پشیمان‌شدن افراد از برنامه‌ریزی‌های قبلی و در نتیجه کنار گذاشتن آن‌ها شود،

می‌گوییم ترجیحات در طول زمان ناسازگارند. در این فصل، ضمن ارائه شواهد تجربی متعدد برای نشان دادن ناسازگاری ترجیحات، تلاش‌های صورت گرفته برای یافتن توابع تنزیل انسان‌ها و نیز انواع ناهنجاری‌ها مانند اثر اندازه (magnitude effect)، اثر علامت (sig effect)، تأخیر و تسریع رویدادها (delay-speedup asymmetry) و نیز پاداش‌های مجزا و متوالی مرور می‌شود. در پایان فصل هم مفاهیم سیاستی ناظر به ترجیحات ناسازگار بیان شده است.

۱,۲ خاستگاه اثر

اگرچه مباحث روانشناسی از سال‌ها پیش در تحلیل‌ها و مدلسازی‌های اقتصادی مطرح بوده است، در سال‌های اخیر توجه محققان متعددی به زمینه‌های پژوهش‌های میان‌رشته‌ای اقتصاد و روانشناسی جلب شده است. این امر به‌ویژه پس از اینکه جایزه نوبل سال ۲۰۱۷ به ریچارد تالر به‌خاطر پژوهش‌هایش در زمینه اقتصاد رفتاری تعلق گرفت، شهرت دوچندان یافت. کتاب‌های متعددی در این زمینه در سال‌های اخیر به فارسی ترجمه یا تألیف شده است که به‌عنوان نمونه به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

- اقتصاد رفتاری (۱۳۹۸)؛ نویسنده: اسکات هواتل، ترجمه علی آقاجانی
- اقتصاد رفتاری (For Dummies) ۱۳۹۷؛ نویسنده: موریس آلمن، برگردان محسن رنانی
- اقتصاد رفتاری در عمل (۱۳۹۶)؛ ترجمه و تالیف: محمود بهرامیان
- عقلانیت محدود و اقتصاد رفتاری (۱۳۹۷)؛ نویسنده: گراهام مالارد، ترجمه یعقوب محمودیان و فروزان دولتیاری
- مبانی اقتصاد و مالی رفتاری (۱۳۹۴)؛ نویسندگان: علی سعیدی و سیدمحمدجواد فرهانیان
- نگاهی به برخی موضوعات اقتصاد رفتاری (۱۳۹۶)؛ نویسنده: مجید نصیری
- نظریه تلنگر در عمل (۱۳۹۷): اقتصاد رفتاری در سیاست و بازارها؛ ویراستار: شرزود عبدوکادیروف؛ ترجمه مریم زینالی

- سیاست‌گذاری و انتخاب اقتصاد بخش عمومی از دریچه اقتصاد رفتاری (۱۳۹۵)؛ نویسندگان: ویلیام ج کانگدل، جفری آر کینگ، سندھیل، مولایناتهان؛ ترجمه مصطفی نصراصفہانی
- تاریخ نظریه‌های اقتصاد رفتاری (۱۳۹۶)؛ نویسنده: عباس نوروزی
- الفبای اقتصاد رفتاری و مالی رفتاری (۱۳۹۶)؛ نویسنده: مصطفی نصراصفہانی
- اقتصاد رفتاری (۱۳۹۷)؛ نویسنده: ادوارد کارترایت؛ ترجمه فہرمان عبدلی و سیدحسین میرشجاعیان‌حسینی
- کج رفتاری شکل‌گیری اقتصاد رفتاری (۱۳۹۶)؛ نویسنده: ریچارد تالر، ترجمه بہنام شہایی.

کتاب معروف تالر نیز به فارسی تحت دو عنوان «سقلمه» و «تلنگر» (Nudge) چندین بار توسط افراد مختلف ترجمه شده است. همانطور که از تاریخ انتشار این آثار مشخص است، همه آن‌ها در دو سه سال اخیر به چاپ رسیده‌اند و این امر بیانگر رسیدن موج اقتصاد رفتاری به فضای علمی فارسی زبان است. کتاب مورد بررسی ما یعنی *مبانی اقتصاد رفتاری* تصمیم‌گیری فردی در همین راستا نگاشته شده است. نویسنده کتاب در پیشگفتار به این امر تصریح می‌کند که تصمیم به چاپ این کتاب به خاطر اقبال عمومی به این رشته بوده است و نگارش کتاب از سال ۱۳۹۵ آغاز شده است.

این در حالی است که سابقه مباحث اقتصاد رفتاری به آثار ویلن (۱۸۹۹)، میچل (۱۹۱۴) و کلارک (۱۹۱۸) و همچنین آثار متأخرتر همانند نظریه چشم‌انداز توسط کانمن و تورسکی (۱۹۷۹) بازمی‌گردد. به‌رغم انباشت مطالعات اقتصاد رفتاری در طول چند دهه، تنها در سال‌های اخیر شاهد تألیف و انتشار کتاب‌های فارسی در این زمینه هستیم و به نظر می‌رسد این اقبال صرفاً تحت تأثیر فضای روانی ناشی از اعطای جایزه نوبل ۲۰۱۷ به ریچارد تالر بوده است نه لزوماً جدیدبودن حوزه مطالعاتی یا نیازهای علمی و آموزشی.

اگرچه به‌لحاظ علمی، آگاهی از دستاوردهای علمی و ترجمه آن‌ها می‌تواند به گسترش فهم و ارتقای سطح دانش ما بسیار کمک کند و از این جهت، کار این مؤلفان و مترجمان درخور تقدیر است، بااین‌حال، یورش یکباره به یک حوزه تخصصی آن‌هم نه به‌خاطر نیازها و کاستی‌های مورد نیاز جامعه بلکه به‌خاطر فضای تبلیغاتی و رسانه‌ای که پس از اعطای جایزه نوبل به تالر ایجاد شده است، نه‌تنها باعث اسراف منابع و تولید یا ترجمه

تکراری آثار خارجی می‌گردد، بلکه ممکن است کل جامعه علمی را تحت تأثیر خود قرار دهد و جهت‌گیری جریان علمی را در مسیر نادرستی رقم بزند. این مسأله زمانی حادث می‌شود که متأسفانه با مرور این آثار، می‌بینیم که افزوده محققان فارسی‌زبان در حوزه مطالعات رفتاری بسیار اندک است و عمده آثار رنگ‌وبوی ترجمه دارد. کتاب مورد بررسی ما نیز از این امر مستثنی نیست و اگرچه منبع خاصی را به‌صورت مستقیم ترجمه نکرده است و از نظر معیارهای پژوهشی، نوعی تألیف به‌شمار می‌رود، اما سراسر کتاب ترجمه‌مباحثی از منابع مختلف است و نویسنده به‌ندرت مطالبی را از زبان خود نگاشته است، چه رسد به اینکه در این زمینه نوآوری یا ایده خاصی داشته باشد.

۲,۲ سابقه تحقیقات رفتاری

نویسنده در ابتدای کتاب خود اصرار می‌کند که مباحث اقتصاد رفتاری در پی رد کردن اقتصاد نئوکلاسیک نیست بلکه به‌دنبال تکمیل نواقص آن است. اگرچه تا حد زیادی این نگاه با دیدگاه تالر (۲۰۰۸) و تاحدی آکرلوف (۲۰۰۳) همخوانی دارد و این نحله از رفتارگرایان تلاش می‌کنند اصطکاک خود را با نظریات نئوکلاسیک به حداقل ممکن برسانند و مباحث خود را تا حد اصلاح فروض مدل‌ها کاهش دهند، باین‌حال، مرور آثار نظریه‌پردازان اقتصاد رفتاری از ابتدای شکل‌گیری آن تاکنون، نشان‌دهنده انتقادهای جدی به اصول و مبانی اقتصاد نئوکلاسیک است تا حدی که در برخی موارد، مانند آثار ویلن (۱۸۹۹)، اساساً نقد و رد این مکتب و به‌طور کلی‌تر، نظام سرمایه‌داری، به‌وضوح به‌چشم می‌خورد. در این بخش، مروری کوتاهی به نظریات بزرگترین اقتصاددانان رفتارگرا می‌پردازیم که با نظریات خود، بنیان‌های اقتصاد نئوکلاسیک را نقد و مورد تردید قرار داده‌اند.

برخی از اولین منتقدان گرایش‌های متعارف اقتصاد، اقتصاددانان نهادگرای اوایل قرن بیستم بودند. به عنوان مثال، میچل در مقاله خود در سال ۱۹۱۴، به «نویسندگان اخیر (مانند پارتو) که طرفدار جدایی اقتصاد از روانشناسی» بودند انتقاداتی وارد کرد. نهادگرایان با خوشحالی تصدیق می‌کردند که روانشناسی لذت‌گرا قوت خود را از دست داده است. توریستن ویلن در مقاله مشهور خود در سال ۱۸۹۸ می‌نویسد:

«مفاهیم روانشناسی و انسان‌شناسی مفروض اقتصاددانان، مفاهیمی است که توسط روانشناسان و اندیشمندان علوم اجتماعی چند نسل پیش پذیرفته شده بود.» (Angner and Loewenstein, 2006)

این اقتصاددانان معتقد بودند که نادیده گرفتن روانشناسی توسط اقتصاددانان، درست نیست. بنابراین، میچل امیدوار بود که شکست روانشناسی لذت‌گرا، اقتصاددانان را ترغیب کند که «مبانی روانشناسی مناسب‌تری را برای تحلیل‌های خود» جستجو کنند (Mitchell, 1914). کلارک این رویکرد را تأیید کرده و اضافه می‌کند که اقتصاددان نمی‌تواند در نهایت از روانشناسی دوری کند. کلارک استدلال می‌کند اگر اقتصاددانان خود را از مفهوم روانشناسی انسان دور کنند «این مفهوم بالاخره خودش را [به اقتصاد] تحمیل می‌کند» (Clark, 1918, 4).

فیشر و کینز، از جمله اولین کسانی بودند که روانشناسی را در حوزه تحلیل‌های اقتصاد کلان خصوصاً نظریه پولی و ادوار تجاری به کار بردند. فیشر، مؤلف کتاب «توهم پولی» (1928) است که در پی توضیح پدیده‌هایی مانند نوسانات ادوار تجاری در حالت کلی بود. توهم پولی مفهومی است که فیشر اختراع کرد و منظور از آن این است که افراد و بنگاه‌ها قیمت‌ها و نرخ‌های اسمی را با مقادیر واقعی اشتباه می‌گیرند و در نتیجه تصمیماتی غیربهبینه اتخاذ می‌کنند. (Fisher, 1928, 60).

دیگر چهره اقتصاد کلان که به روانشناسی گرایش داشت، جان مینارد کینز است. جرج آکرلف در سخنرانی جایزه نوبل سال 2001 بیان کرد که «نظریه عمومی کینز بزرگترین کمک به اقتصاد رفتاری پیش از دوره اخیر است». بنابراین، کینز از جنبه‌های مختلفی، با اقتصاد متعارف فاصله می‌گیرد. به عنوان مثال به این متن مشهور توجه کنید:

بخش عمده‌ای از فعالیت‌های ایجابی ما به جای انتظارات ریاضی، به خوش‌بینی ناخودآگاه ما بستگی دارد، خواه این فعالیت‌ها اخلاقی باشد یا لذت‌گرا یا اقتصادی. احتمالاً اکثر تصمیمات ما برای انجام کارهای مثبت که پیامدهای کامل آن در روزهای آینده بسیار دور محقق می‌شود، می‌تواند تنها ناشی از خوی حیوانی باشد؛ از یک میل ناخودآگاه برای انجام کاری در عوض بیکار ماندن، نه محصول میانگین وزنی سودهای کمی ضربدر احتمالات کمی (Keynes 1936, 161).

در زمینه اقتصاد خرد، سیتوفسکی با تألیف کتاب «اقتصاد بدون لذت: روانشناسی رضایتمندی انسان» (۱۹۷۶)، چهره شاخصی محسوب می‌شود. اسکیتوفسکی که در ابتدا در زمینه اقتصاد رفاه سستی کار می‌کرد، به تدریج متوجه کاستی‌های رویکرد اقتصاددانان برای مطالعه ترجیحات شد. او با رد این اعتقاد رایج که سلیق و انتخاب‌های افراد مسائلی هستند که اقتصاددانان همیشه باید آن‌ها را مشاهده کنند ولی نباید متعرض آن شوند، معتقد بود که باید از روانشناسان رفتاری پیروی کرد و «رفتارها را به منظور یافتن پایه‌های نظری برای توضیح آن‌ها، مشاهده کرد». (همان، ۱۹)

چهره مهم اقتصاد رفتاری، هربرت سایمون (Herbert Simon) است که به شدت مخالف تفکیک رشته‌ها بود. انتقاد او از انسان اقتصادی، مدل رفتاری اقتصاد استاندارد، و هم‌چنین ارایه مفهومی جایگزین که در رساله دکترای او مطرح و دفاع شد، در کتاب رفتار اداره‌کننده (Administrative Behavior, 1947) به چاپ رسید. به نظر سایمون، مدل نئوکلاسیک در توضیح رفتار انتخاب انسان ناتوان است. او این شکست را به «محدودیت‌های شناختی زیاد» نسبت می‌دهد و پیشنهاد می‌کند که از اصطلاح «عقلانیت محدود» (bounded rationality) استفاده شود.

کاتونا (Katona) در سال ۱۹۵۱ کتاب تحلیل روانشناسی رفتار اقتصادی (Psychological Analysis of Economic Behavior) را تألیف کرد. فرض اساسی این کتاب این است که «فرایندهای اقتصادی مستقیماً از رفتار انسانی ناشی می‌شود و این واقعیت ساده ولی مهم، جایگاه خود را در تحلیل اقتصادی مدرن پیدا نکرده است». باین حال، اساسی‌ترین انتقاد او از اقتصاد نئوکلاسیک، ناتوانی این رویکرد در لحاظ کردن اهمیت متغیرهای مرتبط است. کاتونا استدلال می‌کند که «انگیزه‌ها، برخوردها و انتظارات مصرف‌کنندگان و بازرگانان، نقش مهمی در تبیین مخارج، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری ایفا می‌کند و روانشناسی مدرن، ابزارهای مختلف مفهومی و هم‌چنین روش‌شناسی را برای بررسی رفتار اقتصادی ارایه می‌کند». (همان، ۱۹-۲۲)

کانمن و تورسکی (۱۹۷۹) با رد ارتباط ارزش با مقادیر نهایی (ایده اساسی نئوکلاسیک‌ها و نهایی‌گرایان)، معتقدند که افراد سودها و زیان‌ها را به عنوان انحراف از یک نقطه یا سطح مرجع ذهنی می‌بینند که لزوماً با سطح درآمد منطبق نیست. این نقطه مرجع می‌تواند تحت تأثیر احساسات و آرزوهای فرد باشد. این مباحث که تحت عنوان

«نظریه چشم‌انداز» (prospect theory) مطرح شده است، به‌وضوح برخلاف نظریه مطلوبیت انتظاری است.

همانطور که ملاحظه می‌شود، متفکران اقتصاد رفتاری، این شاخه علمی را به‌عنوان مکتبی هترو دوکس می‌دانند که با جریان غالب نئوکلاسیک چه در سطح فروض رفتاری عاملان اقتصادی، چه در سطح روش‌شناسی و جایگاه تجربه و استقرا در مدل‌سازی اقتصادی و چه در سطح سیاست‌گذاری و حکمرانی، چالش دارند. بنابراین به‌سادگی نمی‌توان ادعا کرد که پژوهش‌های اقتصاد رفتاری به‌طور کلی صرفاً تکمیل‌کننده اقتصاد نئوکلاسیک هستند بلکه در داخل رفتارگرایان، رویکردهای متفاوتی وجود دارد و به‌ویژه متفکران اصلی این رویکرد، انتقادهای جدی به چارچوب تحلیلی نئوکلاسیک و روش‌شناسی مبتنی بر اصول موضوعه (axioms) آن وارد کرده‌اند.

۳. نقد شکلی

یکی از نکات مثبت کتاب، شماره‌گذاری فصول و زیرتیترهای مربوط به هر فصل است. با این حال، سطح‌بندی مطالب در این شماره‌گذاری به‌لحاظ منطقی رعایت نشده است و در موارد متعددی، تیترهایی که باید در سطحی پایین‌تر قرار بگیرند، هم‌ارز با تیتر اصلی شماره‌گذاری شده‌اند. مثلاً تیترهایی که پس از «۱-۶». نقش اقتصاد رفتاری در سیاست‌گذاری» آمده‌اند همگی زیرمجموعه این تیتر هستند و باید در سطحی پایین‌تر قرار می‌گرفتند درحالی‌که با شماره‌های «۱-۷» تا «۱-۱۰» سطح‌بندی شده‌اند. همچنین در فصل دوم نیز مباحث همگی در یک سطح قرار گرفته‌اند درحالی‌که به‌لحاظ مفهومی برخی زیرمجموعه تیترهای دیگر هستند. از این‌گونه موارد در فصول دیگر هم مشاهده می‌شود که بهتر است در چاپ‌های بعدی اصلاح شود.

مشکل شکلی دیگر در کتاب، بزرگ‌بودن نویسه‌های انگلیسی نسبت به نویسه‌های فارسی در متن است و این امر از زیبایی بصری کار بسیار کاسته است. همچنین فهرست منابعی که در پایان هر فصل آمده است، فونت‌ها بزرگ و فاصله سطور کم است و نوعی به‌هم‌ریختگی را تداعی می‌کند.

علاوه‌براین، اعداد نمودارها، فرمول‌ها و برخی از جداول فارسی نیستند؛ نمودارها و تصاویر بعضاً کیفیت پایینی دارند (مثلاً صفحات ۶۰، ۲۱۷، ۲۴۲ و...); چینش نمودارها و

جدول‌ها در داخل متن به هم ریخته است (مثلاً صفحات ۱۲۵، ۱۷۳، ۱۷۴ و ۱۷۵)؛ متغیرها و اصطلاحات داخل نمودارها انگلیسی است (مانند صفحات ۲۲۴، ۲۳۴، ۲۵۷، ۳۱۱).

۴. نقد محتوایی

در این بخش به بررسی انسجام و نظم منطقی کتاب، توانایی تجزیه و تحلیل مسئله، هماهنگی محتوا با مبانی و سرفصل‌ها، نحوه بهره‌گیری از ابزارهای علمی، کاربرد اصطلاحات تخصصی و معادل‌ها، جایگاه اثر در برنامه آموزشی و نهایتاً نقد و تحلیل روش‌شناختی اثر پرداخته می‌شود.

۱،۴ انسجام و نظم منطقی در کل اثر و در زیربخش‌ها

میان فصول کتاب نظم منطقی وجود ندارد و صرفاً مجموعه‌ای از مباحث کنار هم جمع شده‌اند. البته ممکن است بخشی از این امر ناشی از پراکندگی مباحث اقتصاد رفتاری باشد اما قطعاً نویسنده هم در انتخاب و چینش مباحث نقش اساسی دارد. به‌طور خاص می‌توان به فصل سوم و چهارم اشاره کرد که صرفاً به بیان الگوی انتخاب نئوکلاسیک در وضعیت‌های بدون ریسک و تحت ریسک پرداخته باشد بدون اینکه نیازی به طرح مفصل آن‌ها در چنین کتابی باشد. عمده مباحث این فصل، همان مباحثی است که دانش‌جویان در ترم‌های ابتدایی تحصیل در رشته اقتصاد با آن‌ها آشنا می‌شوند و نویسنده می‌توانست بدون وارد شدن به این تفصیلات، خواننده را در صورت لزوم به آن کتاب‌ها ارجاع دهد. به‌نظر می‌رسد حذف این دو فصل هیچ خللی در چارچوب کلی کتاب وارد نسازد.

همچنین فصل ششم کتاب به بیان «نحوه ترسیم ترجیحات تحت خطر» می‌پردازد که ربط آن به اقتصاد رفتاری روشن نشده است. ضمن اینکه مباحث نسبتاً پیچیده ریاضی در این فصل بسیار است و باعث خسته‌شدن خواننده‌ای می‌شود که با هدف مطالعه مبانی رفتاری در تصمیم‌گیری فردی این کتاب را تهیه کرده است.

فصل هفتم صرفاً مقدمه‌ای برای ورود به مباحث فصل هشتم است اما این مقدمه خودش تبدیل به یک فصل شده است و از موضوع اصلی کتاب فاصله گرفته است. در این فصل نیز مباحثی پراکنده درباره ترجیحات بین‌زمانی در اقتصاد متعارف مطرح شده است.

نویسنده می‌توانست بسیاری از مطالب این فصل را به صورتی خلاصه‌تر بیان کند و با ارجاع خواننده به بیرون، از اطاله کلام خودداری کند و مستقیماً به مباحث اصلی خود در فصل بعدی برود.

در نهایت می‌توان گفت که از هشت فصل کتاب، تنها فصل اول، پنجم و هشتم و محدودی فصل دوم مربوط به موضوع اصلی کتاب است و بقیه فصول یا کاملاً نامرتب‌اند یا اینکه صرفاً جنبه مقدماتی دارند و همین امر کتاب را مفصل‌تر از آنچه باید کرده است.

۲,۴ نقد منابع

نویسنده کتاب در جستجو و استفاده از منابع تلاش بسیار زیادی انجام داده است و از بسیاری از منابع دست اول اقتصاد رفتاری استفاده کرده است و کتاب از این نظر درخور تحسین است. کثرت و تنوع منابع مورد استفاده مؤید این مطلب است.

۳,۴ توانایی تجزیه و تحلیل مسئله

به‌رغم زحمات فراوانی که نویسنده کتاب در جمع‌آوری و سرهم‌کردن مطالب کتاب از منابع متعدد و گوناگون کشیده است، ترجمه‌ای بودن بسیاری از بخش‌های کتاب باعث ناهمگن شدن مطالب شده است. در برخی موارد، مانند انتهای فصل دوم (روش‌شناسی اقتصاد آزمایشگاهی) ادبیات نویسنده به شدت فلسفی می‌شود و در جای دیگر مانند فصول چهارم و پنجم، ادبیات اقتصاد ریاضی غلبه پیدا می‌کند و در برخی بخش‌ها که مثال‌هایی از بخش واقعی مطرح می‌شود، ادبیات ژورنالیستی استفاده شده است.

علاوه بر این، تعدد و تکرار منابع مورد مراجعه، باعث پراکندگی مباحث و فقدان سیر مشخص و جمع‌بندی مباحث شده است و این امر به سردرگمی خواننده می‌افزاید. متأسفانه در تمام فصول این اشکال وجود دارد.

مشکل دیگر کتاب، نداشتن مضمون اصلی و ایده محوری است. نویسنده صرفاً مباحثی از اقتصاد رفتاری و بعضاً از اقتصاد نئوکلاسیک را کنار هم جمع کرده است بدون اینکه ایده خاص و پیوسته‌ای را در هر فصل یا در مجموعه کتاب دنبال کرده باشد. در واقع کتاب

فاقد خلاقیت و نوآوری لازم است و نویسنده تقریباً هیچ افزوده‌ای بر انباشت مباحث اقتصاد رفتاری نداشته است.

باین حال، یکی از نقاط قوت کتاب، آوردن مثال‌ها و کاربردهای سیاستی اقتصاد رفتاری است و این امر می‌تواند به میزان اثرگذاری مباحث رفتاری در ساحت‌های حکمرانی کمک کند. متأسفانه ترجمه‌ای بودن و فقدان نوآوری در مثال‌ها و کاربردهای سیاستی نیز به چشم می‌خورد. تقریباً تمامی مثال‌ها و کاربردهای سیاستی مطرح شده در کتاب مربوط به آمریکا یا نهایتاً کشورهای غربی است و مشخص است که این مباحث صرفاً ترجمه آثار نویسندگان غربی است در حالی که نویسنده می‌توانست مثال‌هایی از سیاستگذاری اقتصادی در ایران را صورت‌بندی کند و از این طریق، در توسعه مرزهای اقتصاد رفتاری سهمی باشد و در واقع از کتاب «تألیفی» چنین انتظاری خیلی دور نیست.

۴,۴ کاربرد اصطلاحات تخصصی و معادل‌ها

معادل‌های فارسی انتخاب شده برای اصطلاحات در کل قابل قبول است و کتاب از این نظر روان و یک‌دست به نظر می‌رسد. با این حال، در برخی موارد جزئی به نظر معادل‌های بهتری وجود دارد که می‌تواند استفاده شود. مثلاً به جای لاتاری (lottery) می‌توان از «قرعه» استفاده کرد؛ یا به جای «معادل مطمئن»، «معادل قطعی» (certainty equivalent) رایج‌تر است. تناقض آله (Allais Paradox) به صورت «تناقض الی» نوشته شده است که تلفظ درستی نیست.

۵,۴ جایگاه اثر در برنامه آموزشی

این کتاب می‌تواند به عنوان منبع کمکی در درس اقتصاد خرد و همچنین اقتصاد رفتاری (طبق برنامه جدید آموزشی) استفاده شود به ویژه در زمینه انتخاب مصرف‌کننده و ترجیحات و نیز مباحث مربوط به ریسک. مباحث این کتاب به ویژه در زمینه نقد فروض رفتاری نظریات اقتصاد خرد و همچنین ارائه شواهدی از دنیای واقعی برای کاربردی کردن مباحث این درس می‌تواند مفید باشد.

۵. نقد و تحلیل روش‌شناختی

مباحث این کتاب عمدتاً مروری بر گستره مطالعات در زمینه خاصی از اقتصاد رفتاری یعنی تصمیم‌گیری فردی (ترجیحات و ریسک) است. بخش‌های مختلف کتاب مشحون از ارجاعات متعدد است و از این نظر بیشتر شبیه یک پژوهش دانشگاهی (رساله یا پایان‌نامه) است تا یک کتاب علمی. منطق تدوین کتاب علمی، ارائه مستدل و نظام‌مند یک ایده یا طرح کلی است که در قالب‌های دیگر مانند مقاله یا یادداشت امکان طرح تفصیلی آن وجود ندارد. اما کتاب حاضر اساساً فاقد افزوده علمی خاصی است و صرفاً برهم‌چینشی از مطالعات مختلف است. اگرچه اینچنین پژوهش‌هایی در جای خود ارزشمند و قابل استفاده است و قصد نادیده‌گرفتن تلاش‌های نویسنده را نداریم، اما این کتاب صرفاً برای مقاصد پژوهشی خاص و مراجعات موردی کاربرد دارد نه برای مطالعه پیوسته و هدفمند یک موضوع.

از سوی دیگر، چون نویسنده کتاب از طولانی‌شدن مباحث بیم داشته است، در موارد متعددی مطلب را بسیار خلاصه و گذرا مطرح کرده است و جمع‌بندی خاصی را درباره آن ارائه نداده است و این امر بیشتر خواننده را سردرگم رها می‌کند. به‌عنوان مثال، در بخش ۲-۷ روش‌شناسی اقتصاد آزمایشی و همچنین ۲-۸ نقد اقتصاد آزمایشگاهی، مباحث متعددی پشت سر هم آمده است و هر بند اطلاعات و مطالعات جدیدی را در تأیید یا رد مفروضات نئوکلاسیک یا اقتصاد رفتاری ارائه می‌دهد بدون اینکه هر مطلب به‌خوبی باز شود تا مخاطب منظور اصلی از بحث را متوجه شود، به‌ویژه اگر مخاطب اصلی این کتاب را دانشجویان اقتصاد بدانیم.

همچنین اقتصاد رفتاری اگرچه تلاش می‌کند مبانی روانشناسی نظریات اقتصادی را نقد و جایگزین‌هایی را برای آن‌ها ارائه دهد، اما در موارد متعدد به دلیل غلبه رویکرد روانشناسی، مسائل و موضوعات اقتصادی را به حاشیه می‌برد و دانش اقتصاد را از موضوع اصلی آن که توزیع و تخصیص مواهب (goods) از طریق سازوکارها و نهادها و ملاک‌های مختلف است منحرف می‌کند. این امر به‌وضوح در مثال‌هایی همچون انتخاب بین کت و کلاه (صفحه ۸۳ و ۸۴) یا انتخاب میان منوهای صبحانه (صفحه ۸۴) مشهود است.

۶. نتیجه‌گیری

نویسنده کتاب *مبانی اقتصاد رفتاری* تلاش بسیار زیادی را برای گردآوری و جمع‌بندی مطالعات روبه‌گسترش در زمینه اقتصاد رفتاری متحمل شده و از این نظر درخور تحسین است. تمرکز اصلی کتاب بر تصمیم‌گیری فردی است و رویکرد آن تکمیل و اصلاح مفروضات رفتاری اقتصاد نئوکلاسیک بیان شده است. اگرچه این کتابی تألیفی است، اما عمده مباحث کتاب، مرور مطالعات انجام‌گرفته در این زمینه است و برخلاف آنچه از کتاب تألیفی انتظار می‌رود، نوآوری و افزوده خاصی بر مجموعه اقتصاد رفتاری دیده نمی‌شود. برخلاف عنوان کتاب که به «مبانی» اقتصاد رفتاری تأکید دارد، مباحث مبنایی در کتاب زیاد نیست و بیشتر مباحث کاربردی و به‌صورت حاشیه‌نگاری بر مدل‌های انتخاب نئوکلاسیک مطرح شده است. کتاب فاقد مضمون یا ایده محوری خاصی است و به‌همین جهت، در برخی از فصول کتاب، از موضوع اصلی خارج شده است و صرفاً به بیان نظریات نئوکلاسیک پرداخته شده است. از کتاب تألیفی به زبان فارسی انتظار می‌رود که دلالت‌های نظری یا کاربردی در زمینه اقتصاد ایران مطرح شود یا لاقلاً صورت‌بندی مشخصی از مسائل رفتاری اقتصاد ایران بیان شود که متأسفانه کتاب مورد بحث به هیچ‌عنوان وارد مسائل اقتصاد ایران نشده است. علاوه‌براین، در ابتدای کتاب تأکید شده است که اقتصاد رفتاری به‌هیچ‌وجه مقابل اقتصاد نئوکلاسیک قرار ندارد و صرفاً به دنبال تکمیل آن است درحالی‌که مروری بر متفکران اصلی اقتصاد رفتاری نشان می‌دهد که این رویکرد، هم در نقض فروض اقتصاد نئوکلاسیک، هم در نقد روش‌شناسی قیاسی اقتصاد نئوکلاسیک و هم در توصیه‌های سیاستی خود با اقتصاد نئوکلاسیک تعارض‌های جدی دارد و نمی‌توان آن را صرفاً تکمیل‌کننده اقتصاد نئوکلاسیک دانست.

۱,۶ پیشنهادهای کاربردی

- در مثال‌های کاربردی و توصیه‌های سیاستی، از مسائل اقتصاد ایران استفاده شود.
- در فصل‌بندی تجدید نظر شود و برخی از فصول نامربوط حذف شود و صرفاً مطالب مورد نیاز به صورت خلاصه در مقدمه هر بحث آورده شود.
- مباحث متقدمان اقتصاد رفتاری به کتاب اضافه شود تا ضمن عمیق‌تر شدن مباحث، محتوای کتاب با عنوان کتاب (مبانی اقتصاد رفتاری) تطابق بیشتری پیدا کند.

- تلاش شود یک مضمون یا ایده محوری در کتاب دنبال شود و از تشتت و پراکندگی در ارائه مباحث خودداری شود؛ به این معنا که خط سیر مشخصی در کتاب طراحی شود و خواننده را گام‌به‌گام، در طی فصول مختلف به سمت ایده خود حرکت دهد.

کتاب‌نامه

- آلتمن، موری (۱۳۹۷)، اقتصاد رفتاری For Dummies، ترجمه محسن رنایی، تهران: آوند دانش.
- نصراصفهانی، مصطفی (۱۳۹۶)، الفبای اقتصاد رفتاری و مالی رفتاری، تهران: نوید مهر.
- بهرامیان، محمود (۱۳۹۶)، اقتصاد رفتاری در عمل، تهران: نوای مدرسه: سازمان بورس اوراق بهادار.
- تالر، ریچارد اچ. (۱۳۹۶)، کج رفتاری شکل‌گیری اقتصاد رفتاری، ترجمه بهنام شهائی، تهران: موسسه کتاب مهربان نشر.
- تالر، ریچارد اچ. و کاس آر سانستین (۱۳۹۶)، سقلمه، ترجمه مهدی حبیب‌الهی، و بهاره شیرزادی، کوثر ایزک‌شیریان، تهران: انتشارات شفاف: انجمن علمی اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی.
- تالر، ریچارد اچ. و کاس آر سانستین (۱۳۹۷)، سقلمه: بهبود تصمیمات درباره‌ی تندرستی، ثروت و خوشبختی، ترجمه مهری مدآبادی، تهران: نشر هورمزد.
- تالر، ریچارد اچ. و کاس آر سانستین (۱۳۹۷)، تلنگر، ترجمه مرتضی رستمی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- تالر، ریچارد اچ. و کاس آر سانستین (۱۳۹۸)، تلنگر: تصمیم‌گیری بهتر برای سلامت، ثروت و سعادت، ترجمه علی پارسائیان، تهران: ادبستان.
- حاجی‌ملادرویش، نرگس (۱۳۹۷)، مبانی اقتصاد رفتاری؛ تصمیم‌گیری فردی، نشر نهادگرا.
- سعیدی، علی و محمدجواد فرهانیان (۱۳۹۴)، مبانی اقتصاد و مالی رفتاری، تهران: انتشارات بورس.
- عبدوکادیروف، شرزود (۱۳۹۷)، نظریه تلنگر در عمل: اقتصاد رفتاری در سیاست و بازارها، ترجمه مریم زینالی، تهران: انتشارات دیلماج.
- کارترایت، ادوارد (۱۳۹۷)، اقتصاد رفتاری، ترجمه قهرمان عبدلی و سیدحسین میرشجاعیان‌حسینی، تهران: دنیای اقتصاد.
- کانگدان، ویلیام جفری آر کینگ، سندهیل و مولایناتهان (۱۳۹۵)، سیاستگذاری و انتخاب اقتصاد بخش عمومی از دریچه اقتصاد رفتاری، ترجمه مصطفی نصراصفهانی، تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۹۵.
- مالارد، گراهام (۱۳۹۷)، عقلانیت محدود و اقتصاد رفتاری، ترجمه یعقوب محمودیان و فروزان دولتباری، کرمانشاه: تلیاب.

نقد کتاب مبانی اقتصاد رفتاری: تصمیم‌گیری فردی (علی سعیدی) ۱۵۳

نصیری، مجید (۱۳۹۶)، نگاهی به برخی موضوعات اقتصاد رفتاری، علی آباد کتول: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علی‌آباد کتول، موسسه انتشارات علمی.

نوروزی، عباس (۱۳۹۶)، تاریخ نظریه‌های اقتصاد رفتاری، تهران: چالش، ۱۳۹۶.

هوادل، اسکات (۱۳۹۸)، اقتصاد رفتاری، ترجمه علی آقاجانی، تهران: انتشارات دیموند بلورین.

Akerlof, George A. (2003). "Behavioral macroeconomics and macroeconomic behavior" *The American Economist*, 47, 25-47.

Angner, Erik and George Loewenstein (2006), *BEHAVIORAL ECONOMICS*, to appear in Elsevier's *Handbook of the Philosophy of Science*, Vol.

Clark, J. M. (1918). *Economics and modern psychology I*. *Journal of Political Economy*, 26, 1-30.

Fisher, Irving (1928). *The money illusion*. New York: Adelphi Publishers.

Kahneman, Daniel & Tversky, Amos (1979). Prospect theory: An analysis of decision under risk. *Econometrica*, 47, 263-291.

Katona, George (1951). *Psychological Analysis of Economic Behavior*. New York: McGraw-Hill.

Keynes, John Maynard (1936). *The general theory of employment, interest and money*, London: Macmillan.

Mitchell, Wesley Clair (1914), "Human Behavior and Economics: A Survey of Recent Literature," *The Quarterly Journal of Economics*. November 1914: 1-47.

Scitovsky, Tibor ([1976] 1992). *The Joyless Economy: The psychology of human satisfaction*. New York: Oxford University Press.

Simon, Herbert A. ([1947] 1957). *Administrative behavior: A study of decision-making process in administrative organization* (2nd ed.). New York: Macmillan.

Thaler, Richard H. & Sendhil Mullainathan (2008), "Behavioral Economics", *The Concise Encyclopedia of Economics*, Library of Economics and Liberty

Veblen, Thorstein (1898). Why is economics not an evolutionary science? *Quarterly Journal of Economics*, 12, 373-397.

Veblen, Thorstein (1899), *The Theory of the Leisure Class*, Courier Corporation.

Wikinson, Nick (2008), *An Introduction To Behavioral Economics*, Palgrave Macmillian.